



## Plagiarism, Copyright, the Use of Artificial Intelligence, and Legal Concerns: Towards a Modern Framework in the Digital Era

Kobra Mansourizadeh \*

Assistant Professor, Faculty member of Apadana  
Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

### Abstract

Plagiarism has always presented a serious challenge which can diminish the standards of academic work and devalue the educational experience in general. It has been considered as academic misconduct, an unequivocally wrong action that requires deterrence. This paper presents an overview of the issue of plagiarism and elaborates on different concepts and views regarding it. The paper further examines the concerns about plagiarism in the legal framework and the copyright infringement issues. It also addresses the challenges introduced by artificial intelligence (AI), and suggests methods for combating academic plagiarism. It is highlighted that creating standard rules for AI in research can balance innovation with ethics, ensuring academic work maintains its integrity. It is asserted that as AI introduces new forms of plagiarism, it is imperative to establish legal directives which would clearly delineate unacceptable research practices. As a pedagogical preventive measure against plagiarism, it is recommended that specialized training courses need to be implemented for both faculty and students. The curriculum should address traditional plagiarism as well as the applications of AI in academic research. This initiative could serve as a foundational step in updating the official definition of plagiarism to reflect advancements in AI technology. A principal obligation for educational institutions is to cultivate sophisticated digital literacy, encompassing a deep understanding of AI's capabilities and limitations. This approach is designed to reinforce critical analysis and independent thought, equipping students to employ AI as an aid to their scholarship, not a substitute for it.

**Keywords:** plagiarism, academic integrity, copyright infringement, Artificial intelligence, Legal Concerns

Received: 18/April/2025

Accepted: 03/September/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## سرقت ادبی، حقوق مؤلف، استفاده از هوش مصنوعی و ملاحظات حقوقی: به سوی چارچوبی نوین در عصر دیجیتال

کبری منصوری‌زاده\*  
استادیار مؤسسه آموزش عالی آپادانا شیراز ایران

### چکیده

سرقت ادبی همواره یکی از چالش‌های جدی در حوزه‌ی آموزش و پژوهش بوده است که می‌تواند استانداردهای کار علمی را کاهش داده و ارزش تجربه‌ی آموزشی را به‌طور کلی تضعیف کند. این پدیده، به‌عنوان رفتاری خلاف اصول اخلاقی دانشگاهی شناخته شده و اقدامی نادرست و غیر قابل قبول تلقی می‌شود که نیازمند بازدارندگی است. این مقاله، مروری کلی بر مسئله‌ی سرقت ادبی ارائه داده و مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن را تبیین می‌کند. همچنین، نگرانی‌های مرتبط با سرقت ادبی در چارچوب حقوقی و مسائل نقض حقوق مؤلف را بررسی می‌نماید. افزون بر این، مقاله به چالش‌های نوپدید ناشی از به‌کارگیری هوش مصنوعی اشاره کرده و راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه می‌دهد. در این مقاله، تأکید می‌شود که ایجاد قواعد استاندارد برای استفاده از هوش مصنوعی در پژوهش می‌تواند نوآوری را با اصول اخلاقی متوازن ساخته و از حفظ اصالت در آثار علمی اطمینان حاصل کند. از آنجا که هوش مصنوعی اشکال جدیدی از سرقت ادبی را پدید می‌آورد، ضروری است که دستورالعمل‌های حقوقی به‌روشنی تدوین شوند تا مرز میان رفتارهای پژوهشی مجاز و غیرمجاز مشخص گردد. به‌عنوان راهکاری آموزشی برای پیشگیری از سرقت ادبی، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی تخصصی برای مدرسین دانشگاه و دانشجویان برگزار گردد؛ برنامه‌ی درسی این دوره‌ها باید هم سرقت ادبی سنتی و هم کاربردهای هوش مصنوعی در پژوهش علمی را پوشش دهد. این اقدام می‌تواند گامی بنیادی در جهت به‌روزرسانی تعریف رسمی سرقت ادبی متناسب با پیشرفت‌های فناوری هوش مصنوعی باشد. یکی از وظایف اساسی مؤسسات آموزشی، ارتقای سواد دیجیتال پیشرفته است؛ سواد که شامل درک عمیق از قابلیت‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی باشد. این رویکرد به تقویت تفکر انتقادی و استقلال فکری کمک کرده و دانشجویان را قادر می‌سازد تا از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری یاری‌رسان در فرایند پژوهش بهره‌گیرند، نه جایگزینی برای آن.

کلیدواژه‌ها: سرقت ادبی، صداقت علمی، نقض حقوق مؤلف، هوش مصنوعی، ملاحظات حقوقی.

## مقدمه

## سرقت ادبی و جایگاه آن در نوشتار دانشگاهی

سرقت ادبی بی‌تردید یکی از چالش‌های مهم در حوزه‌ی آموزش عالی است که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت علمی و تضعیف ارزش آموزش و پژوهش در سطح کلان شود. در تعاریف عمومی فرهنگ‌نامه‌ها، سرقت ادبی به معنای بازتولید یا اقتباس ایده‌ها و واژگان دیگران بدون ذکر منبع و یا استفاده‌ی غیرمجاز از آثار آنان تعریف می‌شود (The American Heritage® New Dictionary of Cultural Literacy).

در مقابل، تعریف دانشگاهی این واژه، بیشتر بر عدم استناد و ارجاع‌دهی به نویسنده‌ی اصلی و ناتوانی در اعطای اعتبار علمی به صاحب اثر متمرکز است (Park, 2006; Samuels & Bast, 2006; Townley & Parsell, 2004). در حالی که تعاریف فرهنگ‌نامه‌ای مفهومی کلی از سرقت ادبی ارائه می‌کنند که در حوزه‌های مختلفی همچون هنر و موسیقی نیز قابل اطلاق است. تعاریف ارائه شده از سوی صاحب‌نظران، بیشتر بر رفتارهای دانشجویی متمرکز دارد (Carroll, 2004) و گاه میان سرقت ادبی عمدی و غیرعمدی تفاوت قائل می‌شود (Samuels & Bast, 2006).

پارک (۲۰۰۴) سرقت ادبی را نوعی «تخلف علمی» معرفی می‌کند؛ رفتاری که از هر جهت نادرست بوده و باید از آن پیشگیری شود، صرف‌نظر از این که چه کسی مرتکب آن شده یا چه عاملی موجب بروز آن گردیده است. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که سرقت ادبی در حال افزایش است (Park, 2003; Carroll, 2004; McCabe, 2005; Ahmad et al, 2012, 2016)؛ از این‌رو، این پدیده به مسئله‌ای جهانی تبدیل شده است (Kenny, 2007).

یافته‌ها حاکی از آن است که سرقت ادبی در میان دانشجویان دانشگاه‌ها، در رشته‌های گوناگون و در هر دو مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی، پدیده‌ای شایع است (Park, 2003, 2004; McCabe, 2005; McCabe & Trevino, 2002; Marshall & Garry, 2006). مک‌کیب (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که سرقت ادبی در تکالیف نوشتاری، که نوعی بی‌صدافتی علمی محسوب می‌شود، به میزان قابل توجهی رایج است.

سرقت ادبی می‌تواند مسئله‌ساز باشد، زیرا ممکن است نه تنها تأثیرات منفی بر جایگاه علمی نهاد آموزشی مربوطه بر جای گذارد (Park, 2004)، بلکه بر خود دانشجویان نیز اثر منفی دارد؛ به این معنا که مانع از پرورش مهارت‌های تفکر خلاق و اصیل آنان در نگارش علمی می‌شود (Carroll, 2004; Samuels and Bast, 2006; Howard, 2007; Hart and Friesner, 2004; McKenzie, 1998; MacDonald, 2003).

در هر جامعه‌ی علمی، مقاله‌های پژوهشی نقش اساسی در تولید و تبادل دانش دارند. مقاله علمی ابزاری است که اعضای جامعه‌ی علمی از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار کرده، یافته‌ها را به اشتراک می‌گذارند و بر مبنای آن، استدلال‌ها و ادعاهای خود را تقویت می‌کنند. برای پذیرش و موفقیت در جامعه‌ی علمی، پژوهشگران باید از مجموعه‌ای از هنجارها و رویه‌های پذیرفته‌شده در گفتمان تخصصی رشته‌ی خود پیروی کنند (Hyland, 1999). پژوهش علمی بر پایه‌ی دانش پیشین استوار است؛ چراکه پژوهشگران با تکیه بر مطالعات گذشته، تلاش می‌کنند دانش جدیدی بیافرینند و ادعاهای تازه‌ای را در چارچوب یافته‌های پذیرفته‌شده مطرح کنند. پذیرش ادعاهای جدید منوط به تأیید اعضای جامعه‌ی علمی است و این پذیرش، زمانی تحقق می‌یابد که پژوهشگر بتواند ادعاهای خود را در پیوند منطقی و متقاعدکننده با دانش پیشین ارائه دهد. این فرایند معمولاً از طریق ارجاع‌دهی محقق می‌شود (Bazerman, 1998; Hyland, 1999).

ارجاع دهی، عنصری بنیادین در نگارش دانشگاهی است. نویسندگان دانشگاهی از طریق ارجاعات، آگاهی خود را از ادبیات تخصصی نشان داده و عضویت خویش را در جامعه‌ی علمی تثبیت می‌کنند. ارجاع دهی، پیوند نویسنده با حوزه‌ی تخصصی خود را آشکار می‌سازد و به او امکان می‌دهد عمق و گستره‌ی دانش خود را به نمایش گذارد و به‌عنوان عضوی فعال از جامعه‌ی علمی شناخته شود (Bazerman, 1998). ارجاعات باید به گونه‌ای مناسب در متن گنجانیده شوند تا بر اعتبار علمی پژوهش بیفزایند (Mansourizadeh & Ahmad, 2011). از این رو، هم انتخاب منابع مناسب و هم شیوه‌ی ارجاع دهی از اهمیت برابر برخوردار هستند. نویسندگان تازه کار، به دلیل پایین بودن سطح سواد علمی و مهارت‌های نوشتاری در حال رشد، ممکن است در رعایت هنجارهای ارجاع دهی ناتوان باشند که این امر گاه به بروز سرقت ادبی در متن می‌انجامد (Pecorari, 2003).

در این راستا پژوهشگران میان دو نوع سرقت ادبی، یعنی عمدی و غیرعمدی، تمایز قائل شده‌اند. سرقت ادبی عمدی با قصد و نیت آگاهانه صورت می‌گیرد، در حالی که نوع غیرعمدی آن غالباً ناشی از ضعف در سواد دانشگاهی است (Harvey & Robson, 2006). مواردی مانند کپی کردن بدون ذکر منبع، خرید مقاله‌های آماده یا ارائه‌ی آثار دیگران به نام خود، همگی مصادیق آشکار تقلب و سرقت ادبی محسوب می‌شوند و باید با واکنش انضباطی در محیط آکادمیک روبه‌رو گردند (Clarke, 2006؛ شورای ملی مدیران برنامه‌های نویسندگی، ۲۰۰۳). برای سنجش دقیق‌تر نگرش دانشجویان نسبت به سرقت ادبی، برخی پژوهشگران پیشنهاد داده‌اند که از سناریوهای شبیه‌سازی شده استفاده شود؛ بدین معنا که موقعیتی فرضی طراحی شود و از دانشجویان خواسته شود واکنش خود را نسبت به آن بیان کنند. نتایج چنین پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که درک بسیاری از دانشجویان از مفهوم سرقت ادبی ناقص است. به‌عنوان نمونه، مارشال و گری (۲۰۰۶) دریافته‌اند که برخی از دانشجویان، رفتارهایی را که به‌روشنی مصداق سرقت ادبی بودند، چنین تلقی نکردند و در مقابل، رفتارهایی را که سرقت ادبی محسوب نمی‌شدند، به اشتباه سرقت ادبی می‌پنداشتند.

در مطالعه‌ای مشابه، داسون و اورفیلد (۲۰۰۶) نیز نشان دادند که هرچند اکثر دانشجویان آگاه بودند که سرقت ادبی عملی نادرست است، اما در تشخیص مصادیق واقعی آن و نحوه‌ی پیشگیری از آن دچار سردرگمی بودند. در حقیقت، نگارش علمی با استفاده از منابع متعدد مستلزم سطح بالایی از سواد دانشگاهی و توانایی زبانی پیشرفته است (Chandrasoma et al, 2004). نویسندگان دانشگاهی باید بتوانند اطلاعات را از منابع گوناگون به‌صورت دقیق و منسجم در نوشتار خود ادغام کنند. بی‌توجهی به شیوه‌های صحیح استفاده از منابع و ارجاع دهی می‌تواند به سوءاستفاده از منابع و در نتیجه اتهام سرقت ادبی منجر شود.

از این رو، برخی پژوهشگران با نگاهی همدلانه‌تر، میان «سوءاستفاده از منابع» و «سرقت ادبی» تفاوت قائل شده‌اند. به باور آنان، استفاده‌ی نادرست از منابع که ناشی از ناآگاهی نسبت به شیوه‌ی مستندسازی صحیح است، نباید با سرقت ادبی یکی دانسته شود. به‌عنوان مثال، شورای ملی مدیران برنامه‌های نویسندگی (۲۰۰۳) تصریح می‌کند که دانشجویانی که به دلیل ناآگاهی از قواعد ارجاع دهی، منبع را به درستی ذکر نمی‌کنند یا از علامت نقل قول استفاده نمی‌نمایند، نباید به سرقت ادبی متهم شوند.

تفاوت دیدگاه‌ها و گزارش‌ها درباره‌ی میزان وقوع سرقت ادبی، چه به‌طور کلی و چه در رشته‌های خاص، گویای آن است که سرقت ادبی پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است (Carroll, 2004; Macdonald & Carroll, 2006; Park, 2003; Emerson et al, 2005; Gu & Brooks, 2008). این پیچیدگی از نبود درک مشترک درباره‌ی چیستی سرقت ادبی نیز ناشی می‌شود. به‌عنوان نمونه، شورای ملی مدیران برنامه‌های نویسندگی (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که سرقت ادبی زمانی رخ می‌دهد که نویسنده عمداً از زبان، ایده‌ها یا محتوای اصلی (غیرعمومی) فرد

دیگری بدون ذکر منبع استفاده کند. با این حال، مرز میان دانسته‌های عمومی و دانش تخصصی چندان روشن نیست. کلارک (۲۰۰۶) در تأیید این دیدگاه اشاره می‌کند که ایده‌هایی که می‌توان آن‌ها را دانش عمومی تلقی کرد، نیازمند ارجاع نیستند؛ اما این مفهوم به دلیل ابهام ذاتی خود، تمایز روشنی میان دانش عمومی و غیرعمومی فراهم نمی‌آورد.

لیترمن (۱۹۹۹) نیز بر دشواری تعیین دقیق این که چه زمانی یک ایده به دانش عمومی تبدیل می‌شود، تأکید دارد. کارول و اپلتون (۲۰۰۱) باور دارند که آنچه دانش عمومی محسوب می‌شود، به موضوع رشته‌ی تحصیلی و تجربه‌ی دانشجویان در آن زمینه وابسته است و همان‌گونه که چندراسوما و همکاران (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند، درک افراد از این مفهوم می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، این ابهام می‌تواند موجب سردرگمی نویسندگان مبتدی، به‌ویژه دانشجویان، در تصمیم‌گیری درباره‌ی ضرورت ارجاع یا عدم ارجاع به منابع شود.

### ۱. سرقت علمی و قوانین حقوقی

با توجه به مباحث مطرح‌شده در بخش‌های پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که جامعه‌ی علمی به‌طور کلی بر سر این موضوع توافق دارد که سرقت علمی مسئله‌ای جدی و نگران‌کننده است؛ با این حال، هر پژوهشگر یا نهاد علمی، تعریف خاص خود را از مفهوم سرقت علمی ارائه کرده است. در عصر حاضر، اهمیت این موضوع با ظهور و گسترش فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، دوچندان شده است. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند متون علمی و پژوهشی را با کیفیت بالا و در زمانی کوتاه تولید کنند، بدون آن‌که به‌آسانی توسط سامانه‌های ضدسرقت ادبی شناسایی شوند. با وجود این، هنوز هیچ تعریف قانونی صریحی از مفهوم سرقت علمی در قوانین ملی، فراملی (مانند اتحادیه اروپا) یا حتی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی وجود ندارد (Lazíková & Rumanovská, 2023).

در واقع، نظام حقوقی در تلاش بوده است تا با بازتعریف آزادانه‌ی مفهوم سرقت علمی به‌عنوان هرگونه کپی‌برداری بدون مجوز (خواه با ذکر منبع و خواه بدون آن، خواه عمدی و خواه غیرعمدی)، آن را در قالب مفاهیم مرتبط با حقوق مالکیت فکری جای دهد. این شاخه از حقوق، خود، شامل حوزه‌هایی همچون حق مؤلف حق ثبت اختراع، علائم تجاری و رقابت ناعادلانه است. با این حال، در بسیاری از موارد نتوانسته است پاسخ‌گوی همه‌ی ابعاد پیچیده‌ی سرقت علمی باشد (Epstein, 1989).

حقوق، خود، محصولی از فرایند خلاقیت انسانی است؛ محصولی که در طول قرن‌ها با سنت‌ها شکل گرفته، با نوآوری‌های نوین غنا یافته و با بازاندیشی مداوم بازسازی شده است. این نظام می‌تواند همچون هر اثر ادبی یا هنری، پویا و تحول‌پذیر باشد. بنابراین، قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که نه تنها اقدامات مشروع و علمی را محدود نکنند، بلکه از ورود به افراط در برخورد با مسائل ادبی و پژوهشی نیز پرهیز نمایند. در این راستا، استرن (۱۹۹۲) بیان می‌کند که هنگام تفسیر و اجرای قوانین مرتبط با حقوق فکری، نباید از استعاره‌های نادرست یا عبارات کلی مانند مالکیت فکری برای ساده‌سازی مسائل پیچیده استفاده شود؛ به جای آن، باید با درک عمیق از پیچیدگی ذاتی مسئله، به دنبال یافتن راه‌حل‌های عادلانه بود. به باور وی، در تنظیم قوانین باید هم‌زمان میان فرایند و نتیجه، آفریننده و مخاطب، مالکیت و قرارداد و نیز میان انعطاف و ثبات تعادل برقرار کرد.

در محیط‌های دانشگاهی، استفاده از آثار دیگران اجتناب‌ناپذیر است و قوانین حقوقی و اصول اخلاقی هر دو این واقعیت را به رسمیت می‌شناسند. با این حال، اصول اخلاقی در زمینه‌ی سرقت علمی معمولاً سخت‌گیرانه‌تر از قوانین حقوقی هستند. بر اساس مقررات حقوقی، استفاده از آثار دیگران تنها زمانی مجاز است که اجازه‌ی آن از

سوی صاحب اثر داده شده باشد؛ که معمولاً از طریق قرارداد مجوز یا ليسان انجام می‌شود. در برخی از موارد خاص، قانون اجازه می‌دهد تا بدون اخذ مجوز از مؤلف، از اثر وی استفاده شود. این موارد تحت عنوان مجوزهای قانونی یا استثنائات و محدودیت‌های حقوق مؤلف شناخته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این موارد، استفاده از نقل قول است که از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین استثنای قانون حق مؤلف محسوب می‌شود و به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی کاربرد فراوان دارد. افزون بر این، حق نقل قول با آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات نیز پیوند دارد (Lazíková & Rumanovská, 2023). بنابراین، می‌توان گفت که قوانین حقوقی اگرچه تا حدودی از آثار مؤلفان محافظت می‌کنند، اما هنوز نتوانسته‌اند مفهوم سرقت علمی را به‌طور صریح و جامع تعریف کنند. به همین دلیل، بخش مهمی از برخورد با سرقت علمی، نه در حوزه‌ی حقوقی بلکه در حوزه‌ی اخلاق پژوهش و هنجارهای علمی شکل می‌گیرد.

## ۲. حق مؤلف و ملاحظات حقوقی

یکی از عواملی که به پیچیدگی مفهوم سرقت علمی می‌افزاید، رابطه‌ی آن با حق مؤلف است. از دیدگاه قانون، آثار مکتوب و حتی ایده‌های نویسندگان به‌عنوان دارایی فکری آنان محسوب می‌شود؛ از این رو، هرگونه استفاده‌ی بدون مجوز از آثار یا نوشته‌های دیگران، نقض مقررات مربوط به حق مؤلف تلقی می‌گردد. بر اساس این دیدگاه، پارسل و تونلی (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که مطالب موجود در اینترنت که فاقد محدودیت‌های حق مؤلف هستند، می‌توانند به‌صورت قانونی مورد استفاده قرار گیرند اما استفاده از منابع دارای حق مؤلف بدون مجوز، تخلف محسوب می‌شود. آنان همچنین تأکید می‌کنند که از آنجا که حجم گسترده‌ای از مطالب در فضای اینترنت در هر دو وضعیت (دارای حق مؤلف و بدون حق مؤلف) وجود دارد، تشخیص حدود مجاز استفاده برای دانشجویان دشوار و مبهم است. در مطالعه‌ای دیگر، مارشال و گری (۲۰۰۶) گزارش دادند که بسیاری از دانشجویان در استفاده از منابع دارای حق مؤلف، مانند موسیقی و آثار دیجیتال، دچار خطا می‌شوند و همین نگرش ممکن است در استفاده از منابع اینترنتی در پژوهش‌های دانشگاهی نیز مشاهده شود.

نخستین قانون حق مؤلف موسوم به قانون «ملکه آن»، در دهم آوریل سال ۱۷۱۰ در انگلستان، ولز و اسکاتلند به اجرا درآمد. این قانون حقوق مؤلفان را برای مدت چهارده سال تضمین کرده و برای نقض آن مجازات‌هایی تعیین کرده بود. این قانون بعداً در سال ۱۸۴۲ با قانون جدید حق مؤلف جایگزین شد. در سطح بین‌المللی نیز نخستین معاهده در این زمینه، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری بود که در سال ۱۸۸۶ به تصویب رسید. با این حال، در هیچ یک از این اسناد قانونی - اعم از قوانین ملی یا معاهدات بین‌المللی - اصطلاح «سرقت علمی» به صراحت ذکر نشده است. این وضعیت تا به امروز نیز در قوانین بین‌المللی مربوط به حق مؤلف تغییری نکرده است. حتی در دستورالعمل‌های حق مؤلف اتحادیه‌ی اروپا نیز اشاره‌ای مستقیم به مفهوم سرقت علمی وجود ندارد (Lazíková & Rumanovská, 2023).

بر اساس تعریف دفتر حق مؤلف ایالات متحده، نقض حق مؤلف زمانی رخ می‌دهد که یک اثر دارای حق مؤلف، بدون اجازه‌ی مالک آن، تکثیر، توزیع، اجرا، نمایش عمومی یا به اثری مشتق تبدیل شود. قانون حق مؤلف تنها شامل آثاری می‌شود که از حمایت قانونی برخوردار هستند؛ بنابراین، مفاهیمی مانند ایده‌ها، داده‌ها یا اطلاعات عمومی که در اثری بیان یا توصیف شده‌اند، مشمول این قانون نیستند. با این حال، برای جلوگیری از بروز سرقت علمی لازم است حتی این گونه منابع، مانند متون حقوقی، مقررات یا آرای قضایی، نیز با همان شرایط آثار مؤلفان مورد استناد قرار گیرند (Lazíková & Rumanovská, 2023). از این منظر، دامنه‌ی سرقت علمی گسترده‌تر از حوزه‌ی حق مؤلف است.

با این وجود، از آنجا که سرقت علمی هنوز در هیچ یک از نظام‌های حقوقی به صورت رسمی تعریف نشده است، اقداماتی که می‌توان آن‌ها را مصداق سرقت علمی دانست اما از محدوده‌ی حمایت قانونی فراتر می‌روند، توسط دولت‌ها قابل پیگرد نیستند. این نوع اقدامات، در واقع، در حوزه‌ی قواعد اخلاقی و حرفه‌ای قرار دارند که تنها از طریق محکومیت اخلاقی جامعه‌ی علمی یا نهادهای دانشگاهی قابل اعمال هستند. چنین قواعدی، که فراتر از قوانین رسمی حق مؤلف قرار دارند، در قالب منشورهای اخلاقی دانشگاه‌ها و کدهای رفتار پژوهشی تدوین شده‌اند. برای نمونه، کولین (۲۰۱۳) بیان می‌دارد که نوشتار اخلاقی باید شفاف، دقیق، منصفانه و صادقانه باشد. در همین راستا، نظام‌نامه‌ی اروپایی رفتار پژوهش سالم بر اصولی چون قابلیت اعتماد، صداقت، احترام و مسئولیت‌پذیری در پژوهش تأکید دارد.

با وجودی که بسیاری از قواعد را می‌توان دست کم به طور ضمنی از هنجارهای حقوقی قانون حقوق مؤلف استنباط نمود، اما همچنان قواعدی در چارچوب سرقت علمی وجود دارد که قانون حقوق مؤلف آن‌ها را در ذیل چارچوب حقوقی خود قرار نداده است. در حال حاضر، قانون حق مؤلف تنها از آثار اصیل تثبیت شده در قالب مادی حمایت می‌کند و به مالک اثر، حق انحصاری در بازتولید، توزیع، اقتباس و نمایش عمومی آن را می‌دهد. نقض هر یک از این حقوق به عنوان تخلفی از قانون شناخته می‌شود و مالک قانونی اثر می‌تواند از طریق دادگاه نسبت به پیگرد متخلف اقدام کند (Stearns, 1992).

با پیشرفت سریع فناوری اطلاعات، شکل‌های جدیدی از سرقت علمی دیجیتال پدید آمده‌اند که از نظر گستره و پیچیدگی از سرقت علمی سنتی پیشی گرفته‌اند (Stephen et al. 2007). حتی در صورتی که فرد به طور آگاهانه قصد نقض حق مؤلف را نداشته باشد، مدل‌های زبانی عظیم در هوش مصنوعی مولد ممکن است متونی را تولید کنند که شامل عبارات دقیقاً مشابه با منابع دارای حق مؤلف در داده‌های آموزشی آن‌ها باشد (Cyphert, 2024). این موضوع به ویژه برای وکلا و پژوهشگران حقوقی اهمیت دارد، زیرا در صورت استفاده از متن تولید شده توسط هوش مصنوعی بدون بررسی دقیق، ممکن است بخشی از محتوای دارای حق مؤلف به صورت ناخودآگاه در آثار آنان بازتولید شود. تاکنون ده‌ها دعوای حقوقی علیه شرکت‌های توسعه‌دهنده‌ی هوش مصنوعی به دلیل نقض احتمالی حق مؤلف در فرایند آموزش مدل‌های زبانی مطرح شده است (Cyphert, 2024).

### ۳. استفاده از هوش مصنوعی و مسئله‌ی سرقت ادبی

در سال‌های اخیر، پدیده‌ای نوظهور به نام هوش مصنوعی وارد عرصه‌ی آموزش و پژوهش شده است. به کارگیری هوش مصنوعی در تحقیقات دانشگاهی می‌تواند روش‌های علمی را دگرگون کرده و به شکلی بی‌سابقه، بهره‌وری پژوهشگران را افزایش دهد. فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی امکان تحلیل مجموعه‌ی داده‌های عظیم را فراهم می‌کنند و به پژوهشگران اجازه می‌دهند تا الگوها و بینش‌هایی را شناسایی کنند که کشف آن‌ها به صورت دستی دشوار یا غیرممکن است. این توانایی در عصری که حجم داده‌ها با سرعتی تصاعدی در حال افزایش است، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا روش‌های سنتی تحلیل داده دیگر پاسخ‌گوی چنین شرایطی نیستند. علاوه بر این، ابزارهایی که از پردازش زبان طبیعی استفاده می‌کنند، قابلیت تحلیل و بررسی متون علمی را از نظر اصالت و اعتبار به طور چشمگیری افزایش داده‌اند. به این ترتیب، محیطی فراهم می‌شود که در آن صداقت علمی، شفافیت پژوهش و اخلاق حرفه‌ای تقویت می‌گردد (Mishra, 2023).



با این حال، استفاده از هوش مصنوعی نگرانی‌هایی را نیز برانگیخته است. یکی از دغدغه‌های مهم این است که دانشجویان ممکن است از هوش مصنوعی به صورت غیر موافق با موازین پذیرفته شده‌ی دانشگاهی برای نگارش تکالیف خود استفاده کنند بدون آن که سامانه‌های تشخیص سرقت ادبی قادر به شناسایی آن باشند.

بسیاری از نویسندگان مخالف ممنوعیت مطلق استفاده از هوش مصنوعی در دانشگاه‌ها هستند. به عنوان نمونه، مک مرتری (۲۰۲۳) معتقد است که هوش مصنوعی به زودی به بخش جدایی ناپذیر فرایند نگارش تبدیل خواهد شد. گارسیا-پنیالوو (۲۰۲۳) نیز بیان می کند که نادیده گرفتن یا ممنوع کردن ابزارهایی مانند ChatGPT راه درستی نیست، محققین دیگر حتی پیشنهاد می کنند که تعریف تقلب باید شامل استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ی تولید متن با هوش مصنوعی در زمانی که استاد آن را مجاز ندانسته است نیز بشود (Anders, 2023).

هوش مصنوعی پدیده‌ای نوظهور است که نه تنها باید به عنوان واقعیتی اجتناب ناپذیر پذیرفته شود، بلکه لازم است به صورت آگاهانه و هدفمند در خدمت ارتقای پژوهش علمی به کار گرفته شود. تحقق این هدف مستلزم توسعه‌ی مجموعه‌ای از مهارت‌های جدید است؛ از جمله، توانایی بهره گیری اخلاقی از فناوری‌های هوش مصنوعی، تفکر انتقادی در ارزیابی محتوای تولید شده، درک نحوه‌ی تولید داده‌ها و خروجی‌ها و شناسایی سوگیری‌های احتمالی در سیستم‌های هوشمند. از این رو، آموزش اصول اخلاق پژوهش و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در میان دانشجویان ضروری است، در عین حال استادان نیز باید توانایی ارزیابی آگاهانه‌ی آثار علمی متکی بر هوش مصنوعی را در خود پرورش دهند.

به گفته‌ی هلاوه (۲۰۲۳)، آموزش جامع در زمینه‌ی کاربرد درست هوش مصنوعی؛ شامل، آشنایی با نحوه‌ی عملکرد این سیستم‌ها، ارزیابی صحت اطلاعات تولید شده، پیگیری فرایندهای پرس و جو و تمایز میان تولید متن و تولید ایده، برای دانشجویان و استادان هر دو امری ضروری است. افزون بر این، پژوهشگران باید نسبت به موضوع تحقیق خود شناختی عمیق داشته باشند؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توانند خطاها، سوگیری‌ها یا اطلاعات نادرست حاصل از هوش مصنوعی را تشخیص دهند و اصلاح کنند. همان گونه که متخصصان هشدار داده‌اند، ابزارهایی همچون ChatGPT ممکن است گاه اطلاعات نادرست، همراه کننده یا حتی مغرضانه تولید کنند. در نتیجه، اگر پژوهشگر بدون افزودن تحلیل و داوری علمی خود صرفاً خروجی هوش مصنوعی را ارائه دهد، احتمال بروز خطاهای علمی و انحراف از واقعیت افزایش می‌یابد (Bowman, 2022).

از یک سو، هوش مصنوعی می‌تواند زمان لازم را برای جست و جوی منابع و داده‌ها کاهش دهد اما از سوی دیگر، تنها انسان آگاه به موضوع پژوهش است که می‌تواند ارتباط و اعتبار منابع تولید شده توسط هوش مصنوعی را تشخیص دهد. از این رو، استادان باید به دانشجویان توصیه کنند که از هوش مصنوعی تنها در صورتی بهره بگیرند که توانایی ارزیابی علمی محتوای تولید شده را دارند. با گسترش روزافزون ابزارهای هوش مصنوعی در آموزش عالی، بازتعریف مرزهای اصالت علمی ضرورت یافته است. ملاحظات اخلاقی در زمینه‌ی استفاده از هوش مصنوعی شامل مسائل مالکیت، صحت اطلاعات و تمامیت علمی است و مستلزم پابندی به اصول دقیق استناد و شفافیت پژوهشی می‌باشد.

در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند کیفیت نوشتار را بهبود بخشد و فرایند پژوهش را تسهیل کند، ممکن است مرز میان خلاقیت واقعی و بازتولید ماشینی را مبهم کند. وابستگی بیش از حد به ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند منجر به تولید آثار مشتق و غیر اصیل گردد. برای مقابله با این چالش، کوتسیس (۲۰۲۴) پیشنهاد می کند که مؤسسات آموزش عالی باید برنامه‌های آموزشی جامعی را برای استفاده‌ی اخلاقی و مسئولانه از هوش مصنوعی اجرا کنند تا دانشجویان بتوانند به شیوه‌ای مسئولانه از آن بهره‌مند شوند. استفاده‌ی مؤثر از هوش مصنوعی می‌تواند عملکرد



تحصیلی را ارتقا دهد و تعامل دانشجویان با محتوای آموزشی را عمیق‌تر کند. در نهایت، باید رویکردی متعادل در پیش گرفت که ضمن بهره‌گیری از مزایای فناوری‌های هوشمند، به اصول اخلاق پژوهش و سلامت علمی وفادار بماند. در این صورت، هوش مصنوعی نه تهدیدی برای صداقت علمی، بلکه ابزاری برای گسترش دانش و خلاقیت انسانی خواهد بود.

همان‌طور که سیسویف (Sysoyev, ۲۰۲۴) اشاره کرده است، ادغام هوش مصنوعی در فرایند آموزشی می‌تواند زمینه‌های سرقت ادبی را فراهم کند؛ زیرا بسیاری از دانشجویان هنوز با ملاحظات اخلاقی استفاده از این فناوری آشنا نیستند. این وضعیت، ضرورت ایجاد چارچوب‌های اخلاقی دقیق را برای هدایت پژوهشگران به سوی رفتار مسئولانه روشن می‌کند. به‌طور مشابه، هاتسون (Hutson, 2024) بر این باور است که برای سازگاری موفق با چشم‌انداز نوین پژوهش مبتنی بر هوش مصنوعی، باید روش‌های آموزشی بازنگری شوند تا تفکر انتقادی و خلاقیت در دانشجویان تقویت گردد. استادان باید نه تنها استفاده‌ی مؤثر از هوش مصنوعی را آموزش دهند، بلکه دانشجویان را به درک عمیق‌تر مفاهیم تشویق کنند تا از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای یادگیری بهره‌گیرند، نه جایگزینی برای تلاش فکری.

سینگ و هارتلی (Singh & Hartley, 2024) نیز نشان داده‌اند که وجود دستورالعمل‌های شفاف در خصوص استفاده‌ی مجاز از ابزارهای هوش مصنوعی برای حفظ صداقت علمی حیاتی است. از دیدگاه اخلاقی، وانگ و لویز (Wang & Lopez, 2024) خاطرنشان کرده‌اند که نهادهای آموزشی در مواجهه با چالش‌های مربوط به سرقت ادبی ناشی از هوش مصنوعی باید میان نوآوری آموزشی و حفظ صداقت علمی تعادل برقرار کنند. چنین رویکردی نه تنها اصول پژوهش اخلاقی را حفظ می‌کند، بلکه دانشجویان را برای آینده‌ای آماده می‌سازد که در آن پیوند فناوری و آموزش هر روز عمیق‌تر می‌شود.

در حوزه‌ی حقوق نیز اسنادی که وکلا از سوی موکلان خود تنظیم می‌کنند، مشمول حمایت حق مؤلف هستند. دادگاه‌ها این موضوع را مورد تحلیل قرار داده‌اند که آیا مفاهیمی مانند استفاده‌ی منصفانه در مواردی که وکیلی بخش‌هایی از لایحه‌ی وکیل دیگر را استفاده می‌کند، قابل اعمال است یا نه. امروزه، وکلا نیز همچون سایر متخصصان به‌طور گسترده از مدل‌های زبانی بزرگ استفاده می‌کنند و انتظار می‌رود این روند ادامه یابد (Cyphert, ۲۰۲۴). از این رو، آنان نیز شاید بیشتر از متخصصین سایر حوزه‌ها باید با دقت بیندیشند که ابهام‌های حقوقی موجود درباره‌ی حق کپی و هوش مصنوعی مولد چه تأثیری بر کار و مسئولیت حرفه‌ای‌شان خواهد داشت. از این رو، متخصصان حقوقی نیز باید دقت کنند که در تنظیم اسناد خود، حقوق دیگر مؤلفین را نقض نکنند و اطمینان یابند از داده‌هایی که ممکن است در مجموعه داده‌های آموزشی مدل‌های زبانی بزرگ وجود داشته و مشمول حق کپی باشند، به‌طور ناخواسته استفاده نکنند (Halaweh, 2023).

### بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله مروری جامع بر مفهوم سرقت علمی و دیدگاه‌های گوناگون موجود در این زمینه ارائه کرده است. از یک سو، سرقت علمی به‌عنوان تخلفی جدی و غیر قابل قبول در محیط‌های دانشگاهی شناخته می‌شود که باید با آن به صورت قاطع برخورد شود. اما از سوی دیگر، شماری از پژوهشگران بر این باورند که سرقت علمی غیرعمدی که ناشی از فقدان دانش کافی در زمینه‌ی ارجاع‌دهی یا روش‌های استناد است، باید از طریق رویکردهای آموزشی اصلاح شود. برای مثال، ساموئلز و بست (Samuels & Bast, 2006) تأکید می‌کنند که دانشجویان باید در خصوص جنبه‌های مختلف سرقت علمی آموزش ببینند تا بتوانند رفتارهای پژوهشی اخلاقی‌تری از خود نشان دهند.

همچنین کارول (Carroll, 2004) بر این باور است که تمرکز نظام آموزش عالی باید بیش از مجازات متخلفان، بر فرایند آموزش، پیشگیری و پرورش اخلاق پژوهش متمرکز باشد.

به همین ترتیب، شورای ملی مدیران برنامه‌های نگارش دانشگاهی (۲۰۰۳) خاطرنشان می‌کند که برخی استادان به اشتباه فرض می‌کنند دانشجویان با تمام شیوه‌های صحیح ارجاع‌دهی آشنا هستند، در حالی که بسیاری از آنان هرگز به طور رسمی با این مهارت‌ها آموزش ندیده‌اند. نتایج پژوهش‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که بسیاری از دانشجویان آگاهانه مرتکب سرقت علمی نمی‌شوند، بلکه به دلیل ناآگاهی از قوانین و تعاریف دقیق آن دچار تخلف می‌شوند (Granitz & Loewy, 2007; Mansourizadeh & Ahmad, 2016). از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بهترین راه مقابله با سرقت علمی، آموزش آگاهانه‌ی اصول اخلاق پژوهش، مهارت‌های ارجاع‌دهی و روش‌های استناد است.

بسیاری از پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که مؤسسات آموزشی باید دوره‌های منظم در زمینه‌ی اخلاق پژوهش، صداقت علمی و سواد اطلاعاتی برگزار کنند (Uzun & Kilis, 2020). بر این اساس، می‌توان گفت که جامعه‌ی علمی جهان در مورد جدی بودن مسئله‌ی سرقت علمی اتفاق نظر دارد؛ اما، همچنان نیازمند تعریف روشن، جامع و عملیاتی از مفهوم سرقت علمی است تا هم استادان و هم دانشجویان درک مشترکی از آن داشته باشند. در این مقاله، همچنین به بررسی مسائل مربوط به حق مؤلف، نقض حقوق مالکیت فکری و ابعاد قانونی سرقت علمی پرداخته شد. نتیجه‌ی بررسی‌ها نشان داد که اگرچه قوانین موجود در زمینه‌ی حق مؤلف برخی از مصادیق سرقت علمی را پوشش می‌دهند، اما همچنان بخش قابل توجهی از رفتارهای غیراخلاقی و غیرعلمی از حوزه‌ی قانون خارج باقی مانده‌اند. به علاوه، استفاده‌ی فزاینده از هوش مصنوعی در فرایندهای آموزشی و پژوهشی، چالش‌های جدیدی را در تعریف و تشخیص سرقت علمی پدید آورده است. بنابراین، لازم است دوره‌های آموزشی تخصصی برای استادان و دانشجویان طراحی و اجرا شود تا آنان با فرصت‌ها و تهدیدهای استفاده از هوش مصنوعی در پژوهش آشنا شوند. همان‌گونه که محققین پیشنهاد کرده‌اند، تدوین چارچوب قانونی مشخص برای تعیین حدود رفتارهای پژوهشی قابل قبول و غیر قابل قبول ضروری است (Lazíková & Rumanovská, 2023). این چارچوب می‌تواند بر پایه‌ی نظام‌نامه‌ی اروپایی رفتار پژوهش سالم تنظیم گردد و اشکال جدید سرقت علمی مرتبط با هوش مصنوعی را نیز در برگیرد.

با پیشرفت سریع فناوری‌های هوش مصنوعی، آموزش عالی نیازمند سیاست‌گذاری‌های نوین و رویکردهای چند بُعدی است. پژوهش‌های اخیر (از جمله Mpolomoka, 2025) نشان داده‌اند که کمبود آگاهی، نبود دستورالعمل‌های روشن و ضعف در آموزش اخلاق پژوهش، از عوامل اصلی افزایش سرقت علمی در عصر دیجیتال هستند. از این رو، مبارزه‌ی مؤثر با سرقت علمی مستلزم ترکیب سه رویکرد اساسی است: نوآوری فناورانه از طریق ابزارهای هوشمند تشخیص سرقت علمی، چارچوب‌های سیاستی و حقوقی روشن و شفاف و آموزش فراگیر اخلاق پژوهش و سواد دیجیتال برای پژوهشگران و دانشجویان. در پایان، می‌توان گفت که برای تضمین استفاده‌ی اخلاقی و مسئولانه از هوش مصنوعی در محیط‌های علمی، باید مرز میان استفاده‌ی مجاز و سرقت علمی به روشنی مشخص گردد. جامعه‌ی دانشگاهی باید با تقویت سواد دیجیتال، تفکر انتقادی و توانایی خلاقیت اصیل، پژوهشگران را توانمند سازد تا از فناوری‌های نوین به عنوان ابزاری در خدمت علم بهره گیرند.

## منابع

- Ahmad, U. K., Mansourizadeh, K., Koh, G. M. A. (2012). Non-native university students' perception of plagiarism. *Journal of Advances in Language and Literary Studies*, Vol. 3(1), 39-48.
- American Heritage New Dictionary of Cultural Literacy, Third Edition; Dictionary.com unabridged, vol. 1.1
- Anders, B. A., 2023. Is using ChatGPT cheating, plagiarism, both, neither, or forward thinking? *Patterns*, vol 4 (3), 100694 <https://doi.org/10.1016/j.patter.2023.100694>.
- Bazerman, C. (1988). *Shaping written knowledge*. Madison: University of Wisconsin Press.
- Bowman E., 2022, AI bot ChatGPT stuns academics with essay-writing skills and usability. NPR. Last modified December 19, 2022. <https://www.npr.org/2022/12/19/1143912956/chatgpt-ai-chat-bot-homework-academia>; Codina, L. op. cit., 2022.
- Carroll, J. (2004). Institutional issues in deterring, detecting and dealing with student plagiarism. Joint Information Systems Committee. JISC Briefing paper. Retrieved January 28, 2009 from: [http://www.jisc.ac.uk/uploaded\\_documents/plagFinal.pdf](http://www.jisc.ac.uk/uploaded_documents/plagFinal.pdf)
- Chandrasoma, R., Thompson, C., & Pennycook, A. (2004). Beyond plagiarism: Transgressive and nontransgressive intertextuality. *Journal of Language, Identity, and Education*, 3, 171–194.
- Clarke, R. (2006). Plagiarism by academics: More complex than it seems. *Journal of the Association for Information Systems*, 7 (2), 91-121.
- Council of Writing Program Administrators (2003). Plagiarism: WPA statement on best policies. Retrieved February 22, 2009 from <http://www.wpacouncil.org/positions/index.html>
- Cyphert, A. B. (2024). Generative AI, Plagiarism, and Copyright Infringement in Legal Documents. *Minnesota Journal of Law, Science & Technology*, Vol. 25, 48-65
- Dawson, M. M. & Overfield, J. A. (2006). Plagiarism: Do students know what it is? *Bioscience Education e-journal*, vol. 8. Retrieved February 2, 2009, from: <http://www.bioscience.heacademy.ac.uk/journal/vol8/beej-8-1a.pdf>
- Emerson, L., Rees, M. & MacKay, B. (2005). Scaffolding academic integrity: Creating a learning context for teaching referencing skills. *Journal of University Teaching and Practice*, 2(3a), 12-24.
- Epstein, M. A. (1989). *Modern intellectual property*. 2nd ed. Imprint. Englewood Cliffs, NJ : Prentice Hall Law & Business.
- García-Peñalvo, F. J., 2023. The perception of artificial intelligence in educational contexts after the launch of ChatGPT: Disruption or panic? *Education in the Knowledge Society*, vol. 24, e31279. <https://doi.org/10.14201/eks.31279>.
- Granitz, N. & Loewy, D. (2007). Applying ethical theories: Interpreting and responding to student plagiarism. *Journal of Business Ethics*, 72, 293-306.
- Gu, Q. & Brooks, J. (2008). Beyond the accusation of plagiarism. *System*, 36, 337-352.
- Halaweh, M. (2023). ChatGPT in education: Strategies for responsible implementation. *Contemporary Educational Technology*, vol. 15(2), ep 421. <https://doi.org/10.30935/cedtech/13036>.
- Harvey, J. & Robson, S. (2006). The Accidental Plagiarist: An institutional approach to distinguishing between a deliberate attempt to deceive and poor academic practice. *Proceedings of the 2nd International Plagiarism Conference*, 19-21 June. <http://www.jiscpas.ac.uk/conference2006/proceedings.html>

- Hart, M. & Friesner, T. (2004). Plagiarism and poor academic practice – a threat to the extension of e-earning in Higher education? *Electronic Journal on e-learning*, 2 (1), 89-96. Retrieved January 11, 2009 from <http://www.ejel.org/volume-2/vol2-issue1/issue1-art25-hart-friesner.pdf>
- Howard, R. M. (2007). Understanding “Internet Plagiarism”. *Computers and Composition*, 24, 3-15.
- Hutson, J. (2024). Rethinking plagiarism in the era of generative AI. *Journal of Intelligent Communication*, 4(1), 20-31. <https://doi.org/10.54963/jic.v4i1.220>.
- Hyland, K. (1999). Academic attribution: Citation and the construction of disciplinary knowledge. *Applied Linguistics*, 20 (3), 341-367.
- Kenny, D. (2007). Student plagiarism and professional practice. *Nurse Education Today*, 27, 14-18.
- Kolin, F. C. (2013). *Successful Writing at Work*, Wadsworth: Cengage Learning, 10th Edition, 816 p. ISBN-13: 978-1-111-83479-1.
- Kotsis, K. (2024). Artificial Intelligence Creates Plagiarism or Academic Research? *European Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 1(6), 169-179. DOI: 10.59324/ejahss.2024.1(6).18
- Lazíková & Rumanovská (2023). Legal and ethical rules of plagiarism, *Juridical Tribune*, 13 (4), 624-643.
- Leatherman, C. (1999). At Texas A&M, conflicting charges of misconduct tear a program apart, *Chronicle of Higher Education*, 46 (11), pp. A18–A21.
- Marshall, S. & Garry, M. (2006). NESB and ESB students’ attitudes and perceptions of plagiarism. *International Journal for Educational Integrity*, 2 (1), 26-37.
- MacDonald, D. (2003). Originality and the paraphrasing machine. *College Teaching*, 51 (4), 166-168 (Commentary).
- Macdonald, R. & Carroll, J. (2006). Plagiarism – a complex issue requiring a holistic institutional approach. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 31 (2), 233-245.
- Mansourizadeh, K. & Ahmad, U. K. (2011). Citation practices among non-native expert and novice scientific writers. *Journal of English for Academic Purposes*, 10 (3), 152-161.
- Mansourizadeh, K. & Ahmad, U.K. (2016). An Investigation of Source Use Strategies in Published Research Articles and Graduate students’ Research Papers. *Asian ESP Journal*. Vol. 12 (1), 148-182.
- Marshall, S. & Garry, M. (2006). NESB and ESB students’ attitudes and perceptions of plagiarism. *International Journal for Educational Integrity*, 2 (1), 26-37.
- McCabe, D. L. (2005). Cheating among college and university students: A North American perspective. *International Journal for Educational Integrity*, 1(1), 1-11.
- McCabe, D. L. & Trevino, L. K. (2002). Honesty and honor codes. *Academe*, 88 (1), 37–42.
- McKenzie, J. (1998). The New Plagiarism: Seven antidotes to prevent highway robbery in an electronic age. In *From Now On: The Educational Technology Journal*, 7 (8) [Online] Retrieved February 22, 2009 from <http://fno.org/may98/cov98may.html>
- McMurtrie, B. (2023). AI and the future of undergraduate writing. In: *The Chronicle of Higher Education*, vol. 69 (9). <https://www.chronicle.com/issue/2023/01-06>.

- Mishra, S. (2023). Enhancing Plagiarism Detection: The Role of Artificial Intelligence in Upholding Academic Integrity. *Library Philosophy & Practice*, 7809. <https://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/7809>
- Mpolomoka, D. L., Luchembe, M., Mushibwe, C., Muvombo, M., Changala, M., Sampa, R., and Banda, S. (2025). Artificial intelligence-related plagiarism in education: a systematic review, *European Journal of Education Studies*, Vol. 12) 5.(
- Park, C. (2003). In other (people's) words: plagiarism by university students literature and lessons. *Assessment and Evaluation in Higher Education*, 28, 471-488.
- Park, C. (2004). Rebels without a clause: towards an institutional framework for dealing with plagiarism by students. *Journal of Further and Higher Education*, 28 (3), 291-366.
- Pecorari, D. (2003). Good and original: Plagiarism and patchwriting in academic second-language writing. *Journal of Second Language Writing*, 12, 317-345.
- Samuels, L. B. & Bast, C. M. (2006). Strategies to help legal studies students avoid plagiarism. *Journal of Legal Studies Education*, 23 (2), 151-167.
- Singh, K. and Hartley, B. (2024). The impact of AI on academic integrity policies. *Active Learning in Higher Education*, 25(2), 134-149. DOI: 10.1177/1469787423116751
- Statute of Anne; April 10, 1710; 8 Anne, c. 19 (1710). "An act for the encouragement of learning, by vesting the copies of printed books in the authors or purchasers of such copies, during the times therein mentioned," Yale University, accessed May 10, 2023, [https://avalon.law.yale.edu/18th\\_century/anne\\_1710.asp](https://avalon.law.yale.edu/18th_century/anne_1710.asp).
- Stearns, L. (1992). Copy Wrong: Plagiarism, Process, Property, and the Law. *California Law Review*, Vol. 80, No. 2 (Mar., 1992), pp. 513-553.
- Stephens, J. M., Young, M. F., Calabrese, T. H., 2007. Does moral judgment go offline when students are online? A comparative analysis of undergraduates' beliefs and behaviors related to conventional and digital cheating. *Ethics & Behavior*, vol. 17 (3), p. 235. <https://doi.org/10.10>
- Sysoyev, P. V. (2024). Ethics and AI-plagiarism in an academic environment: students' understanding of compliance with author's ethics and the problem of plagiarism in the process of interaction with generative artificial intelligence. *Vyshee obrazovanie v Rossii= Higher Education in Russia*, 33(2), 31-53. <https://doi.org/10.31992/0869-3617-2024-33-2-31-53>
- Townley, C. & Parsell, M. (2004). Technology and academic virtue: Student plagiarism through the looking glass. *Ethics and Information Technology*, 6, 271-277.
- United States Code. [www.libraryofcongress.gov](http://www.libraryofcongress.gov). Accessed June 14, 2023.
- United States Copyright Office. n.d. "Definitions." <https://www.copyright.gov/help/faq/faqdefinitions.html>.
- Uzun, A. M., Kilis, S. (2020). Investigating antecedents of plagiarism using extended theory of planned behavior. *Computers & Education*, vol. 144 (103700). <https://doi.org/10.1016/j.compedu.2019.103700>.

Wang, R. and Lopez, C. (2024). Ethical challenges of AI in higher education assessment. *Computer Applications in Engineering Education*, 32(4), 315–329. DOI: 10.1002/cae.22407

**استناد به این مقاله:** منصوری زاده، کبری. (۱۴۰۴). سرقت ادبی، حقوق مؤلف، استفاده از هوش مصنوعی و ملاحظات حقوقی: به سوی چارچوبی نوین در عصر دیجیتال. فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق، ۵(۳)، ۸۱–۹۳.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.